

در این شماره می خوانیم:

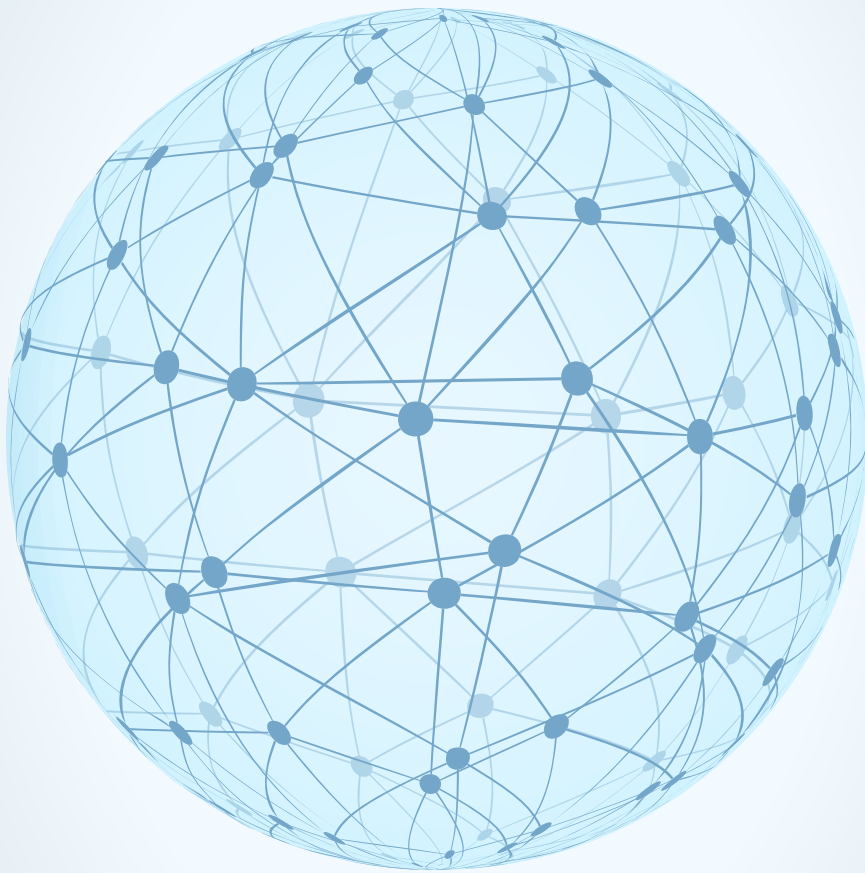
- ۶ #سلبریتی-بیسواد
- ۸ زنان پیشرو
- ۹ سربلندی یا سرسپردگی
- ۱۳ در جستجوی دانش
- ۱۶ معلم و عزت نفس دانش‌آموزان




مصاحبه ویژه

شورای مرکزی ناظر بر نشریات؛

مهم ترین کرسی دانشجویی وزارت علوم



پیشنهادات، انتقادات و سوال‌های خود را از طریق
راه‌های ارتباطی نشریه با ما در میان بگذارید.

 : t.me/ helma_mag

 : instagram.com/ helma_mag

h e l m a _ m a g

بیانات مقام معظم رهبری در ۲۹ خرداد ۱۳۹۵

افزایش سرعت رشد علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، «ایجاد و تقویت احساس هویت افتخارآمیز ایرانی- اسلامی در جوانان»، «انقلابی بودن دانشگاه‌ها و دانشجویان»، و «نقش آفرینی واقعی فرماندهان و افسران جنگ نرم»، از جمله الزامات تبدیل شدن نظام اسلامی به یک قدرت علمی مطرح، و الگوی مردم سالاری همراه با اسلام و معنویت، در دنیا است

ترسیم چشم انداز آینده از آن جهت مهم است که اداره کشور در سال‌های آینده بر عهده دانشجویانی است که اکنون در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل و تلاش علمی هستند، زنجیره علم و معرفت از آموزش و پرورش تا دانشگاه، وظیفه اصلی برای تحقق آینده مطلوب کشور را برعهده دارند.

سخن مدیرمسئول



در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاصب قلم نداشت

عرض ادب و احترام خدمت تمامی مخاطبان عزیز نشریه حلما ...
خدا را شاکریم که بار دیگر توانستیم با همت تمامی دانشجویان صاحب اندیشه و صاحب قلم،
شماره ای دیگر از نشریه حلما را تقدیم نگاه گیرای شما خوبان کنیم.

قریب به یکسال است که نبض جهان، با وجود ویروس کرونا کند می زند و این شرایط جوامع بشری را با چالش های زیادی روبه رو ساخته است. اکنون جهان در چالش ساخت واکسن کرونا قرار گرفته است و نظریه ها و مسائل مختلف مطرح شده دلیلی شده بر اینکه؛ این موضوع بشود یکی از مهم ترین مسائل این روزهای کشورمان. به همین خاطر در این شماره از نشریه، به موضوع مهم واکسن کرونا و مسائل و حاشیه های مربوط به آن پرداخته شده است.

به علاوه در این شماره موفق شدیم گفت و گویی مهم و اثر بخش در فضای نشریات دانشجویی، ترتیب دهیم که نتیجه آن؛ مصاحبه ای مهم و چالشی با جناب آقای محمدرضا محمدی، یکی از اعضای شورای ناظر بر نشریات وزارت علوم بود که پیشنهاد می کنم تمامی فعالان و مخاطبان نشریات دانشجویی، این مصاحبه خواندنی و چالشی که موضوع آن با محوریت نشریات دانشگاه فرهنگیان آماده شده است را مطالعه کنند.

امیدوارم از مطالعه این شماره لذت ببرید.
تقدیم به نگاه پر مهرتان...

فرا آنگ

دست اندرکاران:

مدیر مسئول.....	فرانک آرامی
سر دبیر.....	زهرا اسلام پناه
مدیر بخش فرهنگی.....	مریم بافرانی
مدیر بخش علمی.....	زهرا فروغی
مدیر بخش اجتماعی.....	مهدیه قدوسیان
مدیر بخش ادبی.....	زهرا عرفانیان
مدیر بخش مطالعات زنان و خانواده.....	مریم سادات السادات الحسینی
ویراستار.....	فاطمه اسلامی، مهشید مرادی
صفحه آرا و طراح جلد.....	عرفان فعله گری
مدیر روابط عمومی.....	حدیثه الله وردی
هیئت تحریریه این شماره (به ترتیب الفبا)..... لیلا ابوطالبی، زهرا اسلام پناه، فرانک آرامی، مریم بافرانی، مریم سادات السادات الحسینی، فائزه طاهری، زهرا عرفانیان، زهرا فروغی، مهدیه قدوسیان، فاطمه نوری، رضا یزدانی	

فهرست مطالب:

۶.....	# سلبریتی بیسواد.....
۸.....	زنان پیشرو.....
۹.....	سربلندی یا سرسپردگی.....
۱۰.....	مصاحبه (محمد رضا محمدی).....
۱۱.....	لباس ولتاین پشت عینک حقیقت.....
۱۲.....	در جستجوی دانش.....
۱۳.....	زنگ تفریح.....
۱۴.....	معلم و عزت نفس دانش آموزان.....
۱۵.....	خشونت های نهفته.....
۱۶.....	بفرمایید کتاب.....
۱۷.....	زندگی با تو.....
۱۸.....	





سلبریتی‌ها امروزه، نقش بسیاری در زندگی ما داشته‌اند و می‌توانند با اعتقادات صحیحی که دارند؛ ما را دارای اعتقادات صحیح کنند. اما متأسفانه اکثر سلبریتی‌ها، به جای انتقال حس خوشی و انرژی زیاد؛ فقط دل‌نگرانی و اضطراب را به ما انتقال می‌دهند و ماهم بی‌نهایت، تحت تأثیر آنها قرار می‌گیریم. این متن به همین نکته مهم اشاره دارد و امید است تأثیر اعتقادات آنها در زندگی ما، کم‌رنگ و ناچیز شود.

امروز هم که مردم درگیر بیماری منحوس کرونا هستند، آن‌ها به جای امید دهی به مردم و کمک به تلطیف فضای عمومی جامعه، همان کسانی هستند که برای هر پروژه سینمایی خود قرارداد های میلیاردی تنظیم می‌کنند، ایران را سرزمین نفرین شده می‌نامند. سرزمینی که سردار دل‌ها، آن را حرم الهی می‌نامد و جان خود را در راه این مردم و این سرزمین فدا می‌کند.

با گسترش استفاده از فضای مجازی، پدیده‌ای جدید تحت عنوان سلبریتی، به واژگان ادبیات ما اضافه شد. سلبریتی‌ها که توانسته‌اند؛ تأثیراتی را بر روی طرفداران و دنبال‌کنندگان خود بگذارند، بعضاً افرادی کم‌سواد، فاقد غیرت ملی و اعتقادی، نا آگاه و تحت تأثیر جریان‌های مختلف مادی هستند که در بزنگاه‌های حساس، خودشان را نشان می‌دهند. آن‌ها در شرایط عادی؛ روی سبک زندگی مخاطبان خود اثر می‌گذارند. مثلاً: آن‌ها را به سمت سرمایه‌گذاری در خارج از کشور هدایت می‌کنند.



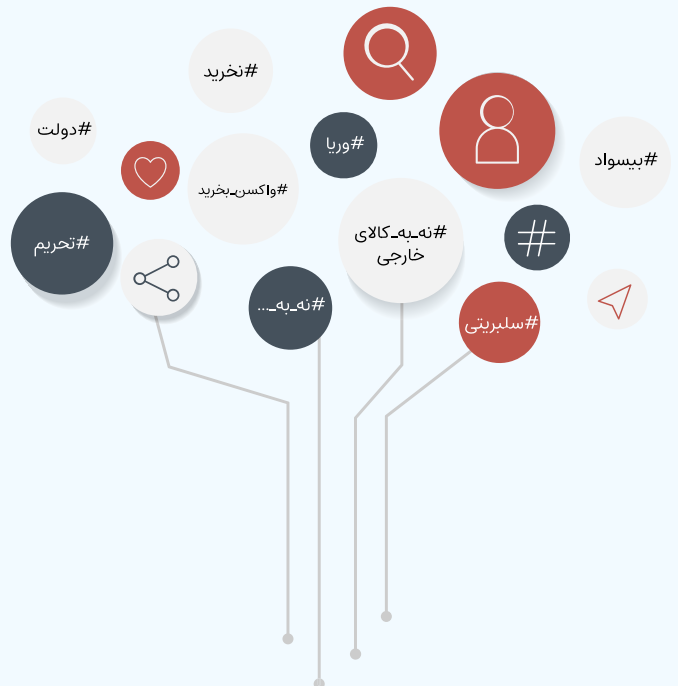
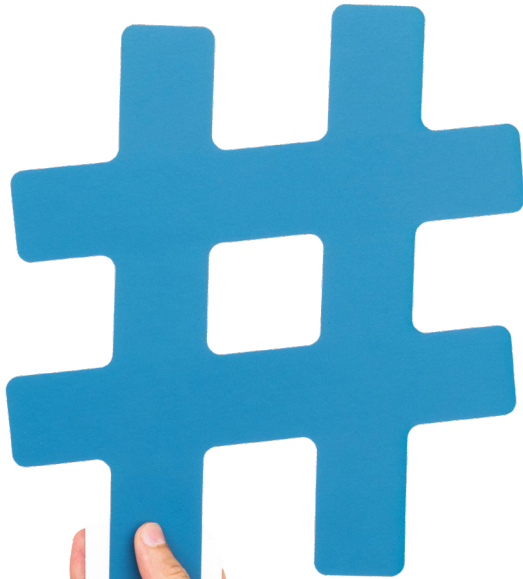
اما اظهار نظرهای این سلبریتی ها پس از فوت میناوند و انصاریان، موج جدیدی از فضا سازی رسانه ای با پرچم **#واکسن_بخرید** را در فضای مجازی و حقیقی به راه انداختند. چهره ها و افراد سرمدمدار این موج را می توان به دو دسته تقسیم کرد: افرادی که از سر نگرانی این مطالبه را پیگیری می کنند و دسته ی دیگری که اغراض سیاسی داشته و به دنبال تنش آفرینی هستند. این عده عمدتاً هدفی جز ناامید و عصبانی کردن مردم ندارند. در جواب افرادی که در دسته ی اول هستند باید گفت: که مگر مسئولین ما قبول ندادند که در صورت تولید واکسن قابل اعتماد، آن را وارد خواهند کرد؟ در همین روز های گذشته نیز نخستین محموله ی واکسن روسی (اسپوتنیک وی) با کارایی بیش از ۹۱ درصدی وارد کشور شد.



دسته ی دوم که از روی غرض با پاشیدن بذر سیاه ناامیدی بر چهره ی وطن، جان باختن دو ورزشکار سابق کشورمان را مستمسک قرار دادند و این افراد را شهید راه واکسن خواندند. از جمله ماموریت های سلبریتی ها **#خودتحقیری** است. چرا که اگر دانشمندی از کشور برود، غلم فرار مغزها را برافراشته می کنند و کشور، مردم و نظام جمهوری اسلامی را متهم می کنند. اما اگر همان دانشمند در کشور بماند و واکسن کرونا را تولید کند، با نادیده گرفتن این پیشرفت و موفقیت بزرگ، مردم را تحریک می کنند تا بر مسئولین فشار بیاورند که واکسن فایزر وارد کنند. واکسنی که نتایج قانع کننده ای هم نداشته و با توجه به خصومت غرب نسبت به ملت ایران و سابقه ی ورود خون های آلوده به ایدز، از نظر عقلانی نمی شود دست به چنین کاری زد.



اینکه ایران به لطف رعایت پروتکلها شرایط بهتری پیدا کرده، محموله های واکسن خارجی در حال ورود به ایران هستند، نتایج واکسن ایرانی تاکنون مثبت بوده و بعضی کشورهای اروپایی همچون سوئیس در حال رایزنی برای تهیه ی واکسن ایرانی هستند، واقعیت هایی است که دشمن نمی خواهد به گوش مردم برسد. سیاه نمایی بعضی سلبریتی ها نشان می دهد: که واکسن ناامیدی اگر از واکسن کرونا مهم تر نباشد، اهمیتش کم تر نیست.



زنان پیشرو

مریم سادات سادات الحسینی
آموزش الهیات

بدون تردید زن به عنوان یکی از ارکان آفرینش و پایه های خلقت نقشی بی بدیل دارد و تنها با حضور او در کنار مرد نظام آفرینش انسان معنا می گیرد. ولیکن متأسفانه در طول تاریخ نسبت به این عنصر آفرینش اهمال و بی توجهی صورت گرفته و آنچنان که باید به شان والای او اهمتایی نشده است. زنان میتوانند نقشی بی بدیل چه در عرصه فردی و چه در عرصه اجتماعی ایفا کنند. در صورتی که جامعه شرایط لازم را برای ظهور استعدادهای آنان فراهم کند. قبل از انقلاب اسلامی چنان که باید و شاید به این نقش اثر گذار زنان در جامعه و سیاست توجهی نشد ولیکن بعد از انقلاب، شاهد پیشرفت چشمگیر زنان در حوزه اجتماعی و سیاسی هستیم.

سیاست سامان نگرفته است. باید قوانین حضور زن در سیاست و اجتماع را به گونه ای رقم زد که جایگاه مادری و همسری زن نیز در خانواده محفوظ بماند و ارزشمند تر حساب شود چرا که زن بر اساس بنیاد خلقتش در وهله اول یک مادر خوب و توانمند است مادری که میتواند در کنار وظیفه مادری اش به عنوان یک زن موفق در دنیای اجتماع و سیاست حضور پیدا کند.

آزادی سیاسی به جامعه باشد سوء استفاده صوری از نمادهای نوگرایی بود و همین امر باعث شد که برخی زنان طبقات بالا و خاص جامعه به برخی مناصب و پست های سیاسی دست یابند علاوه بر آن در دوره سلطنت رضاشاه زنان نمی توانستند در مشاغل عمومی جامعه حضور یابند. هر چند بیسوادی عمومی زنان، مانعی بزرگ در راه حضور آنان محسوب میشده با این حال حتی معدود زنان باسواد و تحصیل کرده جامعه امکان حضور در مشاغل دولتی و عمومی جامعه را نداشتند. به لحاظ شاخص امید به زندگی در سال های پیش از انقلاب، امید به زندگی در مردان و در زنان حدود ۵۲ تا ۵۶ سال بوده که طبق آخرین آمار این سن از مرز ۷۴ سال گذشته است. نرخ امید به زندگی در دوره زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ برای مردان ۳۱/۸۴ درصد و برای زنان ۳۱/۷۳ درصد رشد داشته است. طبق نتایج آخرین سرشماری، امید به زندگی در میان زنان و مردان، اختلافی معادل ۴/۷۴ سال دارد. به گفته برخی مسئولان وزارت بهداشت و درمان، پیش بینی می شود که در ۴۳ سال آینده (۲۰۵۰ میلادی) سن امید به زندگی در ایران به ۸۱/۸ سال برای زنان و ۷۶ سال برای مردان افزایش یابد.

با وجود تمام این موارد هنوز خلاءهای زیادی در عرصه حضور اجتماعی و سیاسی زنان وجود دارد و قوانین مدون و سازمان یافته ای برای حفظ کرامت زن در اجتماع و

نقش زنان مسلمان در پیش گامی و راهبری انقلاب اسلامی به ویژه در هماهنگی با حرکت مردان در جریان شکل گیری انقلاب و تحولات فرهنگی، اجتماعی جامعه نقش اساسی برشمرده شده است. بدون شک جایگاه شخصیت فردی و اجتماعی زنان در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی را نمی توان یکسان شمرد. در جامعه کنونی آمارها نشان می دهد تقریباً هشتاد درصد از زنان، باسواد هستند و در مراکز علمی و دانشگاهی بیشترین آمار قبولی را به خود اختصاص می دهند. همچنین مشارکت عمومی زنان در این دوران رشد چشمگیری داشته است و یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی برای زنان بازیافتن مقام انسانی و شان آنهاست و انقلاب اسلامی شیوه جدید ارزشی و نماد ارزشمندی از حیات زنان جامعه را ارائه داد. علاوه بر آن تحصیلات عالی و حضور آنها در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی قابل مشاهده است. همواره رشد معلمان زن در کلیه مقاطع تحصیلی افزایش پیدا کرده است و زنانی که تا قبل از انقلاب اسلامی در زمینه های فرهنگی و اجتماعی با مشکلاتی دست و پنجه نرم می کردند بعد از به وقوع پیوستن انقلاب اسلامی و فضای امن ایجاد شده، باعث شد آن ها به ادامه تحصیل پرداخته و موفقیت های بسزایی را کسب کنند. همچنین نسبت زنان در مشاغل حساس و تخصصی بعد از انقلاب اسلامی افزایش پیدا کرده و نسبت به مردان متخصص بیشتر شده و زنان در حوزه های آموزش و پرورش فعالیت های بیشتری پیدا کرده اند و درصد بهره گیری آن ها از فعالیت های اقتصادی در جامعه، بعد از انقلاب اسلامی به نقطه ای مطلوب رسیده است.

همچنین مهم ترین و اصلی ترین نکته حائز اهمیت این است که زنان در پست های مدیریتی و در رده های بالا به عنوان نمایندگان مجلس و مشاورین مشغول فعالیت هستند و در پست هایی مانند: شهر دار، فرماندار نقش بسزایی ایفا می کنند و پیشرفت این مقوله ها و نقاط قوت رشد زنان را در جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی نشان می دهد. در دوره سلطنت محمد رضاشاه قانون منع حق رای زنان تا سال ۱۳۴۱ به قوت خود باقی بود و برخی مورخان معاصر معتقدند که اعطای حق رای زنان در دوره پهلوی دوم بیش از آنکه نشانه اعطای

سربلندی

امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:
خداوند متعال امور و حوادث را آن گونه که
مقتضای آنهاست جاری می کند، نه آن گونه
که شما دوست دارید.

فاطمه نوری
آموزش الهیات

با سرسپردگی

با توجه به این روایت، اقتضای سقوط از بلندی، مرگ است؛ اقتضای چاقو، برندگی است؛ اقتضای تحریم، ورشکستگی است. چاقو بناست ببرد، شکم خلیفه باشد یا حنجر بی گناه. حال اگر در بین بردن ها گلوی اسماعیل را نبرید، آن جا باید دنبال چرائیش باشید. اگر تحریم منجر به ورشکستگی نشد، باید دنبال چرائیش باشید. کار تحریم آشفتنی مردم از طریق عوامل اقتصادی است؛ جلوگیری از پیشرفت علمی است. در کل با ممانعت از واردات و صادرات منجر به ورشکستگی و متلاشی شدن اقتصاد کشور است، چه در ایران باشد، چه در اروپا و کانادا. راه حل این است که یا به بیگانه وابسته شویم و یا با اتکا به استعدادهای داخلی بر تحریم پیروز شویم. اتکا به بیگانه منجر به فروپاشی جامعه می گردد، وابستگی به هر کشوری، عزت نفس ملت و کشور را خواهد شکست. عزت نفس، به معنای حفظ آبرو و شخصیت، و عدم کرنش در برابر صاحبان زر و زور و تزویر است. پس چه باید کرد؟

امام صادق (ع) می فرمایند: عز المؤمن استغناؤه عن الناس؛ عزت مؤمن، بی نیازی او از مردم است. در نتیجه زیر منت بیگانه رفتن در مرام ایرانی مؤمن راه ندارد؛ زیرا عزت نفس مؤمن را از بین می برد. آیت الله رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه در تاریخ ۹۹/۱۰/۱، با اشاره به ظلم و ستم غربی ها به ملت ایران گفت: راه مقابله با تهدیدات و تحریم ها، قوی شدن ایران اسلامی در همه عرصه هاست.

لذا، باید با اتکا به خدا، ولایت فقیه و جوانان کشور، انرژی، امید و ابتکار آنها، کشور را به میدانی جهت تولید علم و فناوری تبدیل کرد. در این دهه از انقلاب با بهره گیری از همت، هوشیاری و ابتکار جوانان، ایران عزیز را، به الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی مبدل نماییم. راه اندازی مشاغل خانگی، یک راه حل مؤثر خواهد بود. هر خانه را با بهره گیری از توانمندی و ابتکار شخصی افراد، به کارخانه ای تبدیل نماییم تا ایران عزیزمان را از ورشکستگی برهانیم. خود اشتغالی نماییم؛ لازم به ذکر است درآمد این گونه مشاغل، به صورت مستقیم نصیب خانواده شده، در نتیجه اعضای خانواده از مادیات بی نیاز می گردند.

خداوند در آیه ۷ سوره محمد می فرماید: ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم، اگر مرا یاری کنید، من هم شما را یاری می کنم، گامهایتان را محکم می نمایم. قطعاً اگر همه این تلاش ها در جهت عمل به دستورات الهی باشد، خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد. با تبدیل هر خانه به یک کارخانه، عزت نفس اعضای خانواده افزایش یافته و سبب بی نیازی می گردد. در این صورت کشور با تمام این تحریم ها، سربلند و سرافراز، موفق تر از همیشه گام بر می دارد.



شورای مرکزی ناظر بر نشریات؛

مهم‌ترین کرسی دانشجویی وزارت علوم

فرانک آرامی
آموزش الهیات

مشکلات نشریات دانشجویی به خصوص نشریات دانشگاه فرهنگیان همواره یکی از مورد بحث ترین مسائل در بین فعالین این حوزه بوده است بنابراین در این شماره گفتگویی مهم و اثربخش با جناب آقای محمدرضا محمدی عضو سابق شورای ناظر بر نشریات دانشجویی وزارت علوم درباره مسائل و مشکلات نشریات دانشجویی صورت گرفته است که پیشنهاد می‌شود تمام فعالین این حوزه خواندن این مصاحبه مهم را از دست ندهند.

اجازه ندارند از نیروهای دانشگاه‌های دیگر، استفاده کنند! این مشکلات از کجا نشأت می‌گیرد؟ راه حل این مشکلات چیست؟

مسئله مهمی که برای دانشگاه فرهنگیان مطرح است، ستادی بودن آن است. همین مسئله، برای دانشگاه‌های پیام نور و فنی حرفه‌ای نیز، مطرح است. این دانشگاه‌ها به لحاظ حقوقی، یک دانشگاه محسوب می‌شوند ولی واحدهای مختلف، در شهرهای دور و نزدیک دارند که کار را، برایشان متفاوت‌تر کرده است. این مسئله در کنار بی‌توجهی‌هایی که وزارت علوم، به این دانشگاه‌های ستادی دارد؛ مشکلات زیادی را برایشان فراهم کرده. مثلاً: توجهی که وزارت علوم به دانشگاه تهران دارد، خیلی بیشتر از توجهی است، که به دانشگاه فرهنگیان داشته و دارد. نشریات دانشجویی دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک دانشگاه ستادی، فقط یک کمیته ناظر دارد که آن کمیته ناظر، هم در تهران فعالیت می‌کند یعنی هر نشریه‌ای در هر جایی از استان که دچار مشکل شود، پرونده آن رسیدگی بدوی، در تهران صورت می‌گیرد. که این امر، حق دفاع را از نشریات سلب کرده و می‌توان گفت: که هیچ رسیدگی، در سال‌های اخیر در دانشگاه‌های این چینی، وجود نداشته. چون اکثر نشریاتی

نامه‌ها و آیین‌نامه‌های نشریات، آموزش‌ها و امکاناتی که در اختیار نشریات قرار می‌گیرند، اتخاذ کند.

به علاوه، دانشجویانی که در آنجا انتخاب می‌شوند، در دیدارهای دانشجویی با رهبری، یک کرسی برای صحبت دارند که همین امر نشان‌دهنده اهمیت این جایگاه است.

در طی یک سالی که به عنوان شورای ناظر بر نشریات وزارت علوم ایفای نقش کردید، آیا مسئولین به تمامی نشریات نگاه یکسانی داشتند؟

در نشریات دانشجویی، تفاوت‌چندانی میان نشریات تهران و شهرستانها وجود ندارد، این تفاوت بیشتر، به لحاظ دانشگاه‌ها و بودجه‌های آنان نمود پیدا می‌کند. به طوری که دانشگاه‌هایی که بودجه‌ی بیشتری دارند، امکانات بیشتری نیز برای نشریات، دارند.

نشریات دانشگاه فرهنگیان به نسبت سایر دانشگاه‌ها، با مشکلات بیشتری رو به رو هستند که کمبود بودجه مهم‌ترین مشکل نشریات دانشگاه فرهنگیان است، به طوری که بعضی از نشریات، نمی‌توانند شماره‌های جدید خودشان را چاپ کنند و مسئولین فرهنگی، همکاری لازم را با نشریات ندارند.
یا حتی در برخی از استان‌ها، نشریات

خودتان را معرفی کنید و بفرمایید فعالیت جدی شما در عرضه نشریات، از چه سالی و با چه نشریه‌ای آغاز شد؟

عرض ادب و احترام دارم خدمت شما بنده محمدرضا محمدی هستم، فارغ‌التحصیل رشته حقوق از دانشگاه شاهد تهران و عضو شورای مرکزی ناظر بر نشریات وزارت علوم. ورود من به عرصه نشریات، با نشریه تسنیم به صاحب امتیازی انجمن اسلامی بود، این نشریه یک سابقه ۱۰ ساله داشت و حدود ۱۶۰ شماره منتشر کرده بود که در نوع خودش، کم نظیر بود.

یک توضیح کلی، درباره کار اصلی اعضای شورای مرکزی ناظر بر نشریات وزارت علوم بفرمایید؟

شورای مرکزی ناظر بر نشریات، مهم‌ترین کرسی دانشجویی وزارت علوم، برای نماینده‌های نشریات دانشجویی است که چه به لحاظ سیاسی و فرهنگی و چه به لحاظ منزلت، جایگاه ویژه‌ای دارد. این شورا، مرجع اعاده‌ی دادرسی در فضای رسیدگی به تخلفات نشریات و نقش سیاست‌گذاری‌های کلان در فضای نشریات سراسر کشور را، بر عهده دارد. این شورا در فضای سیاست‌گذاری‌ها وظیفه دارد؛ یکسری تصمیم‌گیری‌ها درباره شیوه

این حق را به دانشگاه فرهنگیان نمی‌داد که انتخابات، به صورت مجزا بین دختر و پسر برگزار شود، این بحث به نتیجه مشخصی منتهی نشد و انتخابات آن سال، در مشهد برگزار شد ولی ابطال شد. بعد به فاصله یک هفته، دوباره در یزد یک انتخابات دیگر برگزار شد.

به عنوان سوال آخر، هدف و آرمانی که برای نشریات دانشجویی ترسیم می‌کنید به چه سمتی حرکت می‌کند؟ و به چه نقطه ای منتهی می‌شود؟

هدف و آرمانی که، من برای نشریات دانشجویی متصور هستم؛ تولید علم است. دانشگاه اصولاً، به دانشجویان نوشتن یاد نمی‌دهد یعنی دانشجویان، نمی‌دانند چطور باید بنویسند.

در واقع تولید علم به صورت مکتوب، میسر است. این تولید علم علاوه بر تقویت رسانه ها، باعث تقویت دانشگاه ها نیز می‌شود که متأسفانه دانشگاه ها از این امر، غافل هستند.



عملکرد کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه فرهنگیان

در دورانی که من عضو شورای مرکزی ناظر بودم، همکاری های خیلی زیادی صورت نگرفت. یعنی در آن دوره، به خاطر اختلاف نظرهایی که وجود داشت این اتفاق نیفتاد، البته رفاقت وجود داشت ولی همکاری وجود نداشت. یعنی آنها باید با ما همکاری می‌کردند. چون ما شورای ناظر بودیم و آنها کمیته ناظر.

که مشکلاتشان را مطرح کردند، امکان دفاع نداشتند و این امکان دفاع نداشتن، مساوی است با ابطال همان رای و یا فاقد اعتبار بودن آن.

البته ما خیلی تلاش کردیم که دانشگاه های ستادی، در واحدهای خود کمیته داشته باشند و اگر به صورت سراسری می‌خواهند کمیته داشته باشند، آن کمیته برای رسیدگی، جایگزین شورای فرهنگی شود. یعنی همین کمیته که وجود دارد، بشود مرجع تجدیدنظر و مرجع بدوی، بشود کمیته‌ای که در واحدهای مختلف وجود دارد که این فضا، باعث گرم شدن و پویایی نشریات نیز می‌شود.

ما در این مورد، رایزنی هایی انجام دادیم. ولی متأسفانه به جایی نرسید که البته یکی از برنامه های دوستانی که، به تازگی در انتخابات شورای مرکزی ناظر رای آوردند که از ائتلاف ما بودند پیگیری همین مطالبه است.

عملکرد کمیته های ناظر، بر نشریات دانشگاه فرهنگیان را چطور ارزیابی می‌کنید؟ مهم ترین گامی که باید برای ارتقای نشریات دانشگاه بردارند، چیست؟

در دورانی که من عضو شورای مرکزی ناظر بودم، همکاری های خیلی زیادی صورت نگرفت. یعنی در آن دوره، به خاطر اختلاف نظرهایی که وجود داشت این اتفاق نیفتاد، البته رفاقت وجود داشت ولی همکاری وجود نداشت. یعنی آنها باید با ما همکاری می‌کردند. چون ما شورای ناظر بودیم و آنها کمیته ناظر.

ما حتی سر شیوه نامه انتخابات هم، خیلی سعی کردیم که از آنها کمک بگیریم. ولی بنا به دلایل خودشان، همکاری نکردند. به نظر من مهمترین اقدامی که می‌شود انجام داد برای ارتقای نشریات، این است که؛ وحدت رویه، برای نشریات الکترونیکی انجام شود. یعنی دانشجویان بتوانند، ارتباط بین مخاطب و نشریات را دوباره احیا کنند. که برای این امر، ما پیشنهادات مختلفی را به وزارت علوم ارائه کردیم که باید دید، اجرا می‌شود یا خیر.

تا به حال، جلسات و صحبت هایی با مسئولین فرهنگی دانشگاه فرهنگیان داشتید؟ در این جلسات چه نکاتی بیان شد؟

ما در طی جلسات، که با مدیر کل فرهنگی دانشگاه و معاونان فرهنگی دانشگاه داشتیم، مباحثی مطرح کردیم که البته یک بحث سطحی بود، که در اسفند ماه سال ۹۷ انجام شد. موضوع جلسه ما این بود: که چرا در انتخابات، خانم ها و آقایان نمی‌توانند همزمان رای بدهند، مسئولین دانشگاه معتقد بودند: اساسنامه ی دانشگاه، به ما اجازه نمی‌دهد و از طرف دیگر، شیوه نامه ی انتخابات نیز، چنین چیزی را نمی‌پذیرفت و



محمد رضا محمدی:

در نشریات دانشجویی، تفاوت چندانی میان نشریات تهران و شهرستانها وجود ندارد، این تفاوت بیشتر، به لحاظ دانشگاه ها و بودجه های آنان نمود پیدا می‌کند. به طوری که دانشگاه‌هایی که بودجه ی بیشتری دارند، امکانات بیشتری نیز برای نشریات، دارند.



لباس ولنتاین

یشت عینک حقیقت

زهرا فروغی
آموزش الهیات

در تاب و تاب قرمز - مشکی های ولنتاینی، می خواهیم به کالبد شکافی این روز غربی بپردازیم. جالب است که در ابتدا به شناخت این آدم قرمز - مشکی پوش برسیم، ولنتاین معروفیت خود را با نام روز عشق پیدا کرد، در فرهنگ مسیحی غربی و سپس در غرب مدرن برگزار می شد و حالا دامان خود را بر روی کره آبی پوش زمین پرورانده.

این روز، مطابق با ۱۴ فوریه میلادی یا ۲۵ بهمن شمسی برگزار می شود. سابقه تاریخی ولنتاین به جشنی که به افتخار قدیس ولنتین کلیساهای کاتولیک برگزار می شد، باز می گردد و از سنن روم باستان و مسیحیت می باشد که معمولاً همراه با هدیه کردن کادو و یا گل های سرخ انجام می شود.

ولنتاین تقریباً در دهه اخیر، جلوه ویژه و جذابیت های فراوانی با کادو های پر زرق و برق به خود گرفته به طوری که یکی از جشن های مهم آسیایی ها در کنار اعیاد ایرانی - اسلامی جای دارد و از آنجایی که نسل جدید، نسل غرب زده است دوستی و عشق را تنها در قرمز - مشکی های لیبرالیستی می دانند و برای حس دوستی و عشق مفهوم غیر از جمع های خانوادگی قائل اند.

کادوهای ولنتاینی با همان دیزاین قرمز و مشکی همراه با انبوهی از خوراکی ها از جملہ: نوتلا، کاکائو، شکلات و... چیده و چیزی که در این جعبه تاریک از همه مهم تر است و شاید بتوان، اصل کاری نامش را نهاد، آن کادو های گرانقیمت چند ده میلیونی است که اکنون بورس گوشی های نیوتونی (اپل یا همان آیفون)، سرویس های جذاب برلیانی و... و در واقع چیزی که ما به دنبال آن هستیم این است که حقیقت این کادو ها چیست؟

در دنیای کرونا گرفته اکنون ما، باطن با احترام نشیمن خود را به ظاهر داده چیزی که اکنون وجود دارد چیزی جز عکس های اینستاگرامی با ادیت های جدید و جذاب نیست.

حقیقت دوستی و عشق، در خانواده و بین اعضای آن است در حالی که نسل جوان آن را بیرون از خانه و با جنس مخالف جستجو می کند.

حقیقت کادوها نیز در اصل پول و طلا و شکلات و... نیست، چیزی که مهم است فراتر از مادیات بوده و آن معنای حس دوستی و عشق است.

و قابل تامل تر آنکه برای این قبیل دوستی و کادوها چه سبقت ها که گرفته و دست و پاهایی که نمی شکنند. با توجه به آنچه بیان شد، باید گفت: که شاید بتوان نام ولنتاین را روز عشق های بصری خیابانی گذاشت که این نام همه چیز را از ظواهر ولنتاین در خود جای داده.

برای آگاهی همه، خصوصاً نسل جوان چه چیز بهتر از اقلع آن ها برای دوری از عشق های خیابانی و مهم تر از آن که موضوع بحث ماست، حقیقت مادی گرایی برای آن که این روز را از مادیات به دور کرده و آفتابش را با یک تبریک ساده، یک گل زیبا و یا یک هدیه مناسب غروب کرد.



در جستجوی دانش...

لیلا ابوطالبی
آموزش زیست شناسی

گویند روزی روزگاری، عده ای از راه به در رفته و اقدام به جست و جوی دانش کردند! این عزیزان محترم، نخست تصمیم بر این گرفتند؛ تا وارد دانشگاه شده و جوییدن دانش را، از آنجا شروع کنند! در نقاط دور دست جهان، مدرسه ای با عنوان دانشگاه بایبند و همی گفتند: بیایید ما در خیال، اینجا را دانشگاه پنداریم و با چشم خیال، اینجا را بنگریم؛ که ما را در آن سود باشد! ناگفته نماند این جویندگان دانش، کم کم صاحب چیره شده و از گرفتن آن بسی خشنود گردیدند! هنوز دهن مبارکشان، در حالت خنده یک متر و نیم باز بود؛ که غریبه ای آمد و گفت: نزدیک نصف پول هایتان را باید به من بدهید! آنها ناله کردند، جامه دریدند که ای وی، ما که غذایی شبیه زندانیان سریال جومونگ، می خوریم و شب ها با تنفس بیست نفر در یک اتاق اکسیژن، این گاز بی ادعا و فروتن، را کم می آوریم. چرا باید نصف حقوق را به شما بدهیم! آن مرد غریبه، اندکی ابروهای های خود را به بالا داده و با حالت دستوری گفت: همین که می گویم. چون حقوق می گیرید! جویندگان همه گریستند و بر سر کوبیدند؛ که چه کنیم چه نکنیم! ناگاه به فکرشان افتاد؛ وارد سرزمین مجاز گشته و با هشتگ و پیامک و... دنبال نصف جیره ی خود باشیم! چه درخواست ها که نکرده و چه ناله ها که سر ندادند، تا اینکه با شنیدن خبر کسر ۲۰ درصد، همی شادی کرده و پای کوبی راه انداختند و سه روز سه شب، جشن برگزار کردند. که ناگاه در میان جشن شان؛ مردی غریبه آمد و گفت: ای جویندگان! برای چه در پوست مبارکتان نمی گنجد! اتفاقا بگنجد بدم بگنجد! که بعد فراغت از این دیار، حسابتان با حذف بند (ی) خواهد بود! جویندگان، اندکی تامل فرموده و در اندرون خویش، فرو رفتند و باز ناله سر دادند؛ که ای وی، این دیگر چیست؟ و ما چه بکنیم که ما را اندر آن، سود باشد! مرد غریبه گفت: بند (ی) همان هست که یک زمانی که حداقل حقوق، شامل حال شما شد و همچنان در پوست نه تنها خود، بلکه پوست زمین نیز نگنجیدید، از احکامتان محو شد و شما روحتان از آن خبر نداشت!

جویندگان، شیون کنان علت را جویا شدند! مرد غریبه اینگونه پاسخ داد: که برای افزایش جیره ی شما به حداقل حقوق، باید مقداری به حقوق شما اضافه می شد، حال این وسط گفتند: چون افزایش حقوق شما بیشتر از ۴۴۰ هزار تومان می باشد؛ دیگر شما از جرگه ی بندی دارای، نمی باشید و برای اینکه ناراحت نشوید، تفاوت حداقل دریافتی را به احکام شما اضافه می کنیم که ما و شما را در آن سود باشد! باز جویندگان بر سر خود کوبیدند که ای وی، اینکه به نفع ما شد! مرد غریبه پوزخندی زد و گفت: نه چون دل! چون هرسال، افزایش حقوق در بند (ی) ضرب می گردد، اما در حداقل دریافتی نه، و بدین سال، شما سال به سال از جویندگان سالهای های قبل، عقب می مانید. مرد غریبه این را گفت و رفت و جویندگان همی گریه نموده و باز التماس کنان، دست آویز هشتگ ها و نامه ها گشتند تا بند (ی) و (الف) را دوباره میهمان احکامشان گردانند!





رکورد های دست یافتنی

زهرا اسلام پناه
آموزش الهیات

طولانی ترین سخنرانی

آقای لویس کولت، رکورددار طولانی ترین سخنران را در کتاب گینس شکسته بود اما مرد هندی رکورد او را که ۴۸ ساعت بود، شکست و لویس هم که در این کار تبحر داشت، رکورد او را که ۱۲۰ ساعت سخنرانی بود؛ شکست فقط با ۴ ساعت بیشتر البته به نظرم رکورد واقعی را کسی شکسته که ۵ روز و ۴ شب به سخنرانی آن ها گوش داده و گرنه صحبت کردن مداوم که اساتید با تدریس شان به صورت مجازی، شکسته اند.



بیشترین عمل زیبایی

خانم سیندی جکسون از ایالت متحده امریکا، رکورددار بیشترین عمل زیبایی را دارد وی، تاکنون ۴۷ عمل زیبایی داشته که نام بردن اسامی آنها در این مقال نمی گنجد اما باید دانست که نکته حائز اهمیت، داشتن پول این عمل هاست و گرنه ما دختران ایرانی هم اگر مشکل مالی نداشتیم؛ مسلما رکورد او را به آسانی می شکستیم.



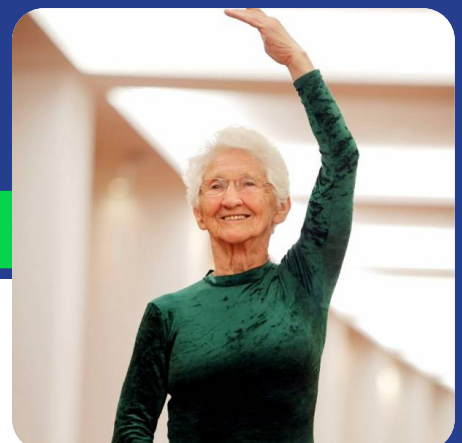
بیشترین زمان چت کردن

اقای نورمن پرز از کالیفرنیا، با ۹۶ ساعت چت کردن مداوم این رکورد را برای خود ثبت کرده است اما وی برای هر ۱ ساعت ۵ دقیقه استراحت می کرده متاسفانه این رکورد از پس ما جوانان ایرانی؛ بر نمی آید زیرا ما به شدت به سلامتی اهمیت می دهیم البته سلامتی باتری گوشی هایمان! و گرنه اگر گوشی ۵ دقیقه شارژ می شد؛ ما می توانستیم این رکورد را هم ثبت کنیم.



مسن ترین ژیمناستیک کار

سر کار خانم جوهانا کوآس با ۸۶ سال سن، در مسابقات ژیمناستیک شرکت کرد و به عنوان مسن ترین ژیمناستیک کار زن رکورددار شد البته خانم های مسن ایرانی هم؛ رکورددار بیشتر صحبت و غیبت را می توانند بشکنند اما گویا نظارتی برای حفظ این رکورد ها، سازمان دهی نشده است.



بوی خشم کرونا

مهدیه قدوسیان
آموزش الهیات

طبق تحقیقات از اواخر سال گذشته، آسیب های روحی و روانی کرونا هم چون: خشونت خانگی، افسردگی، استرس و... ایجاد شده است که به دنبال درگیری وسیع مردم جهان به این بیماری، آسیب های فراوانی را به جای گذاشته است که تبعات آن تا سال های به طول خواهد کشید. در این بخش از خشونت های پنهان به بخشی از آمارهای جهانی خشونت و نوع آسیب های روانی و راهکارهای آن می پردازیم.

کارهای مختلف و مفید هم چون ورزش و تماشای فیلم و ریلکسیشن و... اوقات خود را تقسیم کنند؛ می توانند تا حدود زیادی بر اضطراب این دوران غلبه کنند.

۲. استفاده از فناوری های نوین و تماس مجازی با دوستان و خانواده

با دوستان و اطرافیان خود که (ترجیحا افراد مثبت اندیش) هستند؛ صحبت کنید چراکه صحبت در مورد نگرانی ها به بهتر شدن حال شما کمک می کند.



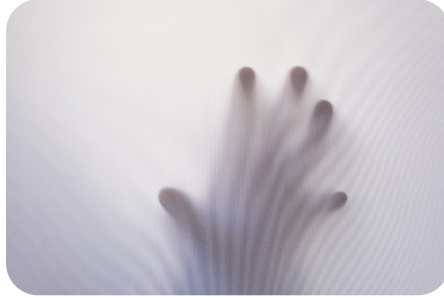
۳. دوری از اخبار منفی

پیگیری لحظه به لحظه اخبار در دوران شیوع کرونا؛ منجر به افزایش اضطراب می شود. کارشناسان به همین دلیل توصیه می کنند افراد در دوران قرنطینه و شیوع ویروس کرونا تنها به منابع و اخبار رسمی و قابل اعتماد از وزارت بهداشت و سامانه سلامت تکیه کنند. علاوه بر این عدم پیگیری دائمی و لحظه به لحظه اخبار در دورانی که اکثر خبرها «نگران کننده» و حتی نادرست هستند می تواند به حفظ سلامت روان کمک کند.

۴. احترام به حریم خصوصی و کاهش پرخاشگری

روانشناس و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند گفت: احترام به حریم خصوصی و حقوق یک دیگر در خانواده؛ یکی از مهمترین راه کارها برای کاهش پرخاشگری در دوران قرنطینه خانگی است.

وی گفت: به طور حتم تمام اعضای یک خانواده از لحاظ اخلاقی و رفتاری با هم تفاهم ندارند پس نباید در این روزها زیاد در رفتارها ریزبینی کرد بلکه باید تعامل در رفتار و اخلاق را، در روند زندگی جاری کرد.



بیماری کووید-۱۹ باعث به مخاطره افتادن سلامت روح و روان بسیاری از مردم شده است. این موضوع در مورد آن دسته از کسانی که حتی پیش از شروع بحران کرونا از مشکلات روحی رنج می بردند، شدیدتر از سایرین است.

با شیوع ویروس کرونا و قرنطینه و در پی آن انتشار اخبار منفی در سطح جهان، پیامد های روانی هم چون: ۷ درصد احساس اضطراب و ۱۷ درصد احساس خشم و کسالت و انزوا و افسردگی و استرس پس از سانحه و بعضا وسواس و اعتیاد و خشونت خانوادگی و... در افراد به وجود آمده است که این تأثیرات منفی؛ در زنان به نسبت مردان و در کادر درمان نسبت به افراد دیگر و در جوانان نسبت به سالمندان بیشتر است.

که البته عواملی مانند: نداشتن اطلاعات کافی، طولانی بودن مدت زمان قرنطینه، ناامیدی ناشی از قطع تماس فیزیکی با دیگران، احساس از دست دادن کنترل زندگی، نامناسب بودن وضعیت اقتصادی و ناامیدی از آینده و تنش های خانوادگی و شایعات استرس و خشم ناشی از کرونا را بیشتر می کنند. که البته قابل ذکر است، خشم و نگرانی در کرونا و قرنطینه به دلیل توجه نکردن به ریسک فاکتورها و طولانی بودن طبیعی است اما برای افرادی که این خشم و اضطراب در آن ها زندگی آن ها را تهدید کرده است راهکارهایی موثر نیز وجود دارد.

راه کارهای کاهش خشم و نگرانی:

۱. داشتن برنامه روزمره و تقسیم اوقات روز

یکی از عوامل ایجاد اضطراب، اخلال در روند عادی زندگی است. اگر افراد بتوانند برای دوران قرنطینه یا کاهش روابط اجتماعی خود برنامه روزمره داشته باشند و برای انجام

براساس نتیجه تحقیقی که در چین، بر روی بیش از ۷۰۰۰ دانشجو انجام شده در طی انتشار کوید ۱۹؛ حدود ۹/۲۴ درصد دانشجویان اضطراب تجربه کرده اند.

بر اساس آمار منتشر شده، میزان خشونت خانگی در اثر بحران کرونا در آمریکا حدود ۷۸ درصد افزایش یافته و سوءاستفاده های جنسی از کودکان نیز از افزایشی معادل ۴۴ درصد برخوردار بوده است.

گزارش یک تحقیق حاکی است، از هر پنج بیمار کووید-۱۹ یک نفر برای اولین بار در طول سه ماهه اول دوره بیماریش، با اختلال روانی روبه رو شده است.

سازمان بهداشت جهانی در ماه آوریل در مورد افزایش این خشونت ها هشدار داد و گفت:

در دوران قرنطینه در کشورهای اتحادیه اروپا؛ تعداد تماس های زنانی که قربانی خشونت خانوادگی هستند ۶۰ درصد افزایش یافته است.

بر پایه یک نظرسنجی که کالج سلطنتی لندن با همکاری شرکت ایسوس موری، با موضوع بررسی چگونگی مقابله با قرنطینه انجام داد؛ ۱۵ درصد مردم قرنطینه را بی نهایت دشوار توصیف کردند. ۱۴ درصد دیگر گفتند که احتمال می دهند تا چند هفته آینده فشار آن بیشتر و سخت تر شود و ۶ درصد هم گفتند که در زمان قرنطینه، از خدمات مشاوره تلفنی بهره گرفته اند.

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان جنوبی هم گفت: با توجه به افزایش پرخاشگری اجتماعی حاصل از دوران قرنطینه، در صورتی که تدبیری اندیشیده نشود؛ در دوران پساکرونا شاهد افزایش پرونده های خانوادگی خواهیم بود. بحران بیکاری در آمریکا که پیش از بحران کرونا در حدود سه و نیم درصد بود، یکبار به ۱۵ درصد رسید.

همین موضوع، به نگرانی های مالی و شغلی مردم دامن زد. دانشمندان آمریکا پیش بینی کرده اند: که در سال های پیش رو، احتمال می رود تا ۷۵ هزار نفر از شهروندان آمریکا در اثر زیاده روی در مصرف الکل و مواد مخدر؛ یا اقدام به خودکشی جان خود را از دست بدهند.

نه تنها بسیاری از مردم آمریکا و دیگر کشورهای جهان در اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست داده اند، بلکه تأثیرات شیوع

عزت نفس دانش آموزان

رضا یزدانی
علوم تربیتی

در ابتدا باید گفت که داشتن عزت نفسی عالی گام اول در هر مسیری از زندگی است. عزت نفس به معنای کلی یعنی احساس ارزشمندی و لیاقت که مسئله‌های عمقی و ریشه‌ای در هر شخص است. بنیان‌های ساختمان عزت نفس هر انسانی در کودکی و نوجوانی ساخته می‌شود و اگر عزت نفس ضعیفی در شخص ایجاد شده باشد - که عموماً همینطور است - معمولاً افراد در صدد اصلاح آن کاری انجام نخواهند داد. بسیاری اوقات والدین و معلمان عزت نفس کودک را از روی نا آگاهی روز به روز کاهش می‌دهند و در نهایت انسانی با عزت نفسی پایین به جامعه وارد می‌شود که مطمئناً به پیشرفت‌های بزرگ در زندگی نخواهد رسید. انسانی که احساس بی‌ارزشی کند، در تحصیل احساس عقب‌ماندگی دارد، در کارش احساس ضعف می‌کند و تحقیر می‌شود، در ازدواجش ناکام خواهد بود و به ناآرامی و سردی در رابطه خواهد رسید. زمانی که شخصی احساس بی‌ارزش بودن کند، محیط اطراف او هم دست به دست هم می‌دهد تا بی‌ارزشی او را به خود او ثابت کند. در اینجا با ارائه چند نکته ساده ولی فوق‌العاده کاربردی و موثر می‌خواهیم آگاه شویم که چگونه عزت نفس کودکان را افزایش دهیم تا به انسان‌هایی مفید و سرافراز تبدیل شوند:

باید بسیار مراقب سخنانی که به کودک می‌گوییم، باشیم. چرا که همه این سخنان از طرف ضمایر خودآگاه و ناخودآگاه کودک به طور تمام و کمال پذیرفته می‌شوند و در او باورسازی می‌کنند. به عنوان مثال وقتی کودک مرتکب اشتباهی می‌شود، نباید به کودک جملاتی مثل (چقدر بی‌عرضه‌ای - تو بی‌خاصیتی - دیگه دوستت ندارم - تو که همه چیو خراب می‌کنی) و جملاتی از این قبیل که پیام همگی آنها ضعف و بی‌ارزشی

است، گفت. به جای آن می‌توان از پیام آگاهی و هشدار استفاده کرد با بیان جمله‌ای مثل (بیشتر دقت کن - بیشتر مراقب باش - اگه بچه خوبی باشی، من هم بیشتر دوستت خواهم داشت).

هرگز تهدید نکنید. فکر نکنید که می‌توانید با تهدید و اعمال فشار کاری از پیش ببرید چون همیشه (دقیقاً همیشه) نتیجه عکس می‌دهد. تهدید باعث می‌شود که احساس خوب در طرف مقابل از بین برود و ذهن شخص ناخودآگاه به دنبال لذت و احساس خوب است در نتیجه به دنبال کاری می‌رود که لذت ببرد و شما هم مدام تکرار می‌کنید که : نمی‌دانم چرا لجبازی می‌کند؟

کودک را با بقیه کودکان مقایسه نکنید. طبق تحقیقات علمی بین‌المللی هر انسان حداقل در ۵ زمینه استعداد فوق‌العاده دارد و نباید به کودک سرکوفت زد و او را با بقیه مقایسه کرد. هر انسانی توانایی‌ها و استعدادهای منحصر بفرد خود را دارد درست مثل اثر انگشت.

تشویق کنید. باید در قبال کارهای خوب، موفقیت‌ها و دستاوردهای کودک به او هدیه و پاداش بدهید و مدام او را تشویق کنید تا مطمئن باشد در مسیر درستی گام برمی‌دارد. در عین حال نباید بیش از حد تشویق کرد تا مبدا وابستگی به تشویق در کودک ایجاد شود.

نقاط قوت و مثبت او را مورد توجه قرار دهید. بسیاری تصور می‌کنند باید نقاط ضعف را بهبود بخشید اما نه این غلط است. تمرکز ما همزمان نمی‌تواند بر چند موضوع متمرکز شود و اگر تمرکز را بر نقاط ضعف بگذاریم دیگر نمی‌توانیم نقاط قوت را

رشد دهیم و این فاجعه است. نقاط قوت و مواردی که با کمترین میزان تلاش کودک در آنها به درخشش می‌رسد باید مدنظر باشند.

فضایی مثبت، انگیزه‌بخش و روحیه بخش برای کودک فراهم کنید. در حضور او از موارد مثبت صحبت کنید و از مسائل منفی مثل فقر، گرانی، اوضاع نابسامان، بحث و جدل و... در حضور او سخن نگوئید. با او در مورد نیازهایش، مسائل و دغدغه‌هایش صحبت کنید. با راهنمایی کردن به او کمک کنید اما اجازه دهید فعالیت اصلی را خود او انجام دهد.

اجازه ندهید چیزی در مدت طولانی او را آزار دهد.

اگر خلاف

این باشد کودک ناخودآگاه آزار دیدن را یاد می‌گیرد و یک عمر رنج می‌کشد.

کتاب تصرف عدوانی نوشته شده توسط لنا اندرشون و مترجمی سعید مقدم، برنده بهترین رمان سال ۲۰۱۳ سوئد است که توسط انتشارات مرکز به چاپ رسیده است. لنا اندرشون نویسنده سوئدی در این کتاب داستان صادقانه و ساده ای را از عشق، ترس و ضعف خلقی انسان ها در عشق و از خلاء روحی که جبران و ترمیم آن را دشوار می سازد، روایت می کند

استر نیلسون نویسنده مقاله روزنامه های سوئدی و شاعر معاصر اسیر عشقی می شود که چشمان اش را بر ضعف های روحی طرف مقابل اش می بندد و بیشتر عاشق شخصیت فردی می شود که ذهنش آن را ساخته است نه فرد واقعی که در زندگی روزانه حضور دارد. هوگو رسک نقاش معروف و نامدار حسور اهل سوئد که هنرش را ستایش میکنند فردی است که استر عاشق او شده است البته استر عاشقی هوگو ساخته در ذهن خودش شده است نه این هوگو که در جهان واقعیت زندگی می کند. هوگو، ذاتاً جز طبقه مرد هایی است که دقیقاً نمی داند چه می خواهد و تصمیم درستی هم در این باره ندارد و اصولاً مردی است که در نخستین برخورد با او گمان می کنی بسیار باهوش و دانا و عاقل است ولی سیر داستان چیز دیگری میگوید و از مردی حرف میزند که تحمل دیدن زنی را که از لحاظ شعور و درک فراتر از او باشد ندارد ولی از بیان حقیقت جدایی می ترسد به همین دلیل با بهانه های سطحی می خواهد او را از خود دور کند. در این داستان به وضوح می بینیم که استر و هوگو با اینکه آدم های سن و سال دار و تحصیل کرده ای هستند و ادعا روشنفکری دارند ولی هیچ کدام توانایی رو به رو شدن با حقیقت را ندارند. استر مدام در پی هوگو و مدام در پی دور کردن استر از خود است و استر، دقیقاً از شور آتش عشق یا ترس از دست دادن هوگو تحمل قبول این موضوع را ندارد. در این کتاب از طریق همزاد پنداری با استر می بینیم که بسیاری از اوقات تصور ما از فرد با شخصیت واقعی او زمین تا آسمان فاصله دارد و خود این را نمی خواهیم قبول کنیم. در این داستان می بینیم که اصولاً مردانی که برای خود ایدئولوژی و تفکرات خاصی را دارند تحمل دیدن زنانی با این ویژگی ها را در زندگی شخصی خود ندارند و اصولاً زنی را برای زندگی خود برمی گزینند که بی چون و چرا از آنها تبعیت کرده و نظریات آنها را بستاند و هیچ مباحثه و مقابله ای با آنها نداشته باشد و این خود عدم ظرفیت و انعطاف فکری این طبقه از مردان را نشان می دهد و متأسفانه هوگو رسک جز این طبقه است. این داستان به خوبی نشان می دهد که زنان اگر مردی را ببینند و او را دوست داشته باشند که از سطح فکری آنها پایین تر باشد به جای اینکه به او کمک کنند تا او به سطح فکری آنها برسد در عوض خود را تا نزدیک شخصیت او کوچک می کنند و این دقیقاً مصداق این کتاب است.

جملاتی از کتاب را در ذیل مطلب می خوانیم:

وقتی آدم عاشق است و عشقش پذیرفته شده تنش احساس آرامش و راحتی میکند و برعکس وقتی عشق بی پاسخ می ماند تن احساس می کند ورنش سه برابر شده است. عشق نوپا روی لبه ی باریکی می رقصد. ممکن است انسان دوباره وزن واقعی اش را احساس نکند که این خود می تواند در انسان های مضطرب و با تجربه و آینده نگر یا در آنهایی که مثل استر آنقدر امیدوار و خوش باور نیستند میزانی از تردید را پدید آورد. استر اندوهناک فکر می کرد انسان گریک انسان است.

هوگو به استر گفت تو باز هم اینجا می نشینی و فلسفه بافی میکنی. آدمی میتواند حتی دلتنگ کسی شود که او را تنها در خیال خود دیده است. چیزی را گزارش می داد که کسی نپرسیده بود چون می خواست چیزی را پنهان کند که کسی نمی دید.

گاهی آزادی یکی به معنای درد و رنج دیگری است. وقتی انگل امید را از میزبان جدا کنند میزبان یا می میرد یا آزاد می شود. امید مانند انگل است.

انسان وقتی دردش را هم همراه خود می برد دیگر هیچ چیز به او کمک نمی کند. خوشبختی را به ندرت و در لحظه خوشبختی تجربه می کند.

خوشبختی کم و بیش، فقط در انتظار کسی است که خوشبختی را باور دارد. هیچ دردی سخت تر از نفهمیدن نیست.



و اما صدای تپش قلب کسانی که از اعماق وجودمان دوستشان داریم؛ دل انگیز ترین موسیقی دنیاست. قلبی که مملو از عشق و محبت است و با هر تپشش آرامش محض را به وجودمان، پمپاژ می کند. نفس هایی که طوفان مهربانی را با خود می آورد. چشمانی که اقیانوسی از دلسوزی؛ موج می زند. آغوش او شبیه به خورشیدی که بعد از یک روز زمستانی، حسابی به تن روزهای سردمان می چسبد. کسی که کابوس ها و غم ها را باخود، به دنیایی نا منتهی می برد و دیگر نمی آورد. دستانت را که می گیرم؛ جهان برابم دگرگون خواهد شد. بودندت دلم را آرام می کند و نبودنت تک تک سلول های وجودم را ویران... امن ترین نقطه ی جهان برای من، شیب کم شانه ی تو می باشد. همان شانه ای که با آن؛ نه دلم می لرزد و نه غمی جلوی چشمانم را می گیرد و فارغ از جهان فقط لحظات را می گذرانم. آری او پدر است...

پدری که تک تک حرف هایش معنایی دارد. پدر یعنی اقیانوسی که لبریز از مهر و محبت است، پدر یعنی بوی نان سنگک تازه، پدر یعنی حامی پسر، پدر یعنی دوستدار دختر، پدر یعنی گرمی خانه، پدر یعنی پادشاه قلب ها، پدر یعنی پند و نصیحت، پدر یعنی خیرخواه، چطور می شود سه حرف قلب ما را بسازد و وجودش برابر با وجود ما باشد. همین که چشمانمان پدر را ببیند و گوش هایمان نفس هایشان را بشنود و همین که آغوش گرمشان را لمس کنیم یعنی زنده اییم. دخترها بی جهت خلق و خوی پدر را نگرفته اند؟! دختر ها خوب می توانند نهایت عشق، با وجود پدر را درک کنند. و ای باعث و بانی ثانیه به ثانیه نفس کشیدن هایمان... و ای کسی که تمام کودکان را با عشق به آغوش کشیده ای، روزت بر ما مبارک...

زهرا عرفانیان
آموزش الهیات

زندگی با پدر

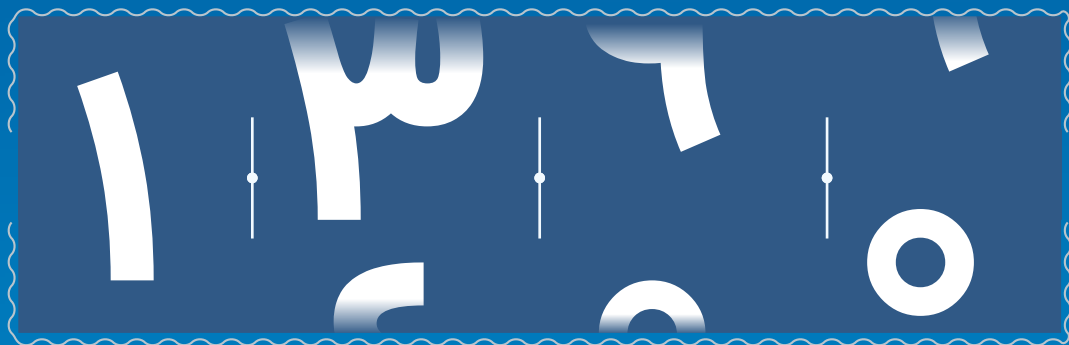




#ماسک_بزنیم!

Helma_mag

منتظر نظرات، انتقادات و پیشنهادات ارزشمندتان هستیم...



ساعت ۱۳ و ۷ دقیقه و ۲۸ ثانیه، روز شنبه ۳۰ اسفندماه ۱۳۹۹ هجری شمسی